



فتنه و ایمان

(۷)

* در قرآن، مسئول مستقیم و منحصر اختلاف در مذاهب و فرقهای متخاصم دینی، علماء و امانتداران کتاب و سنت، شناخته شده اند و ریشه این عُنْ و خیانت بخدا و خلق را «بغی» و برتری جوئی اعلام داشته است * اعقاب این امانتداران و اهزن، در طول تاریخ سالوسانه مزاحم رهبران بزرگ بوده و هستند * ریشه مفهوم لغت «بغی» و معنی آن در علم اخلاق * حاصل جمع معنی آن عبارتست از گردنکشی از اطاعت و واجب الاطاعه * بیان امیرالمؤمنین

علیه السلام در این باره در خطبه قاصعه * اولین اساس نافرمانی و معصیت، همین گردنکشی است که شیطان پیشوای اهل بغی آن را در دنیا گذاشت * ناله نویسنده فرنگی از کشیشان مذهبی: پول خردی هستند که برای حسن جریان معاملات کلان دولتهای سرمایه داری لازمند * انجیل و فجایع انجیل سازان در تاریخ * مصاحبه خروشچف با روزنامه نگار آمریکائی در نقش روحانی نماها در تحکیم استعمار.



برتری جوئی امانتداران و اهزن

از فتنه های ابلیسی در هیئت فرشته نعمانی، دعوی حمایت از دین الهی و شناخت اسلام حقیقی با تمسک به تشابهات قرآن مبین و دست آویز نمودن کتاب الهی و روایات شریفه است که منشأ اصلی مذاهب مختلفه در دین اسلام بلکه در همه ادیان

الهی می باشد، که در بحث پیشین اجمالاً گفته شد، و نمونه ای چند عرضه گردید. در قرآن مجید، اختلاف مذاهب و تفرق در دین واحد به حامیان و جاملان شریعت استناد داده شده و آنان را که به موهبت



احکام متعلق به افعال عباد به آنان موهبت گردیده است و آنان با علم و آگاهی و پابینات و دلائل روشنی که از جانب خداوند متعال بآنها احاطه کرده، در دین الهی اختلاف می افکنند و بدعتها گذاشته و فرقه های متضاد و متخاصمی پدید می آورند و آنها را از تعصب بیجا نسبت به مذهب باطل اشباع می کنند تا آنجا که برخی، برخی را نفرین و لعنت کرده و خوتش را مباح و قتال با وی را جائز و احیاناً واجب می شمرد و اموال و نوامیش را غنیمت خویش می پندارد، و بدینوسیله وهن وضعف در امت خویش ایجاد می نمایند و مآلاً جمعگی فریسه و شکار دشمنان مشترکشان می گردند.

این امانتداران کتاب و شریعت، تمام مقصدشان از انجام این خیانت و بزهکاری لایغفر، سیراب نمودن عطش «بغی» برتری جوئی خویش و علوفی الأرض است و با این عمل، مرهمی برزیغ قلوبشان که جذام درمان ناپذیر جانها است می گذارند؛ جذامی که طبیب الهی از علاج آن ناتوان بوده و برایشان سرکه انگبین، صفراء افزا و روغن بادام، خشکی زا و نور برایشان کوری می آورد.

خیانت عظمائی را مرتکب میشوند که همتائی برای آن تصور ندارد زیرا خیانتی است دائماً در توالد و تناسل و در اعصار پیاپی عرضاً و طولاً و عمقاً گسترده تر می گردد و جماعت هائی را بدم در می کشد و زحمت شیطان و جنودش را کم می کند.

این امانتداران راهزن و فظاع الطریق با این خیانت بی تا منصب سپهسالاری خیل ابلیسی را حائز گردیده و بکریسمه: «اجلب علیهم بحیلک ورجلک» عنیتت بخشیده و بعد از خود اغقابی به نیابت از خویش می گذارند که در طول نسلهای آینده، سالوسانه به ابله سازی افشار مردم ادامه داده و میدهند و سپاهی از ابلهان می سازند و در مقابل مجددین دین الهی و مصلحان بزرگ که برای احیاء شریعت و اقامه عبودیت قیام کرده اند، صف آرائی می کنند، و حق خدمتگذاری به ابلیس را حقاً أداء می کنند، و احیاناً در بعضی از مقاطع تاریخ، طشت رسوائی بعضی از اهل «بغی» از بام افتاده و قیافه نزویر و سالوسی وی آشکار شده و موجب فضاحت و رسوائی او گردیده است، و حتی جامه این ضرب المثل: «طشت رسوائیش از بام افتاد».

امانتداری کتاب «مصدر اصول و فروع دین» و به عطاپای علم و دلیلهای روشن از جانب خداوند متعال در میان امت ممتازند، مسئول منحصر و مستقیم این اختلاف و تفرق شناسانده است و ریشه این غش و خیانت بخدا و خلق را، صفت ذمیمه ای بنام «بغی» متمکن در شوره زار نفوس خبیثه آنان اعلام داشته است که نمونه ای از آیات مربوطه را یادآور می شویم:

«... وما اختلف فيه الا الذين اوتوه، من بعدما جاءتهم البينات بغياً بينهم» (بقره ۲۱۳). هیچکس در کتاب (که مصدر اصول و فروع دین است) اختلاف نکرد مگر آنهایی که بموهبت امانتداری کتاب ممتاز بودند و بعد از دلیلهای روشن که از جانب خداوند متعال برای آنان آمد، فقط بانگیزه «بغی» برتری جوئی بین خودشان در کتاب الهی اختلاف نموده و منشأ تفرقه در امت واحد گردیدند.

وآیه: «ان الدين عند الله الاسلام وما اختلف الذين اوتوا الكتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغياً بينهم ومن يكفر بآيات الله فان الله سريع الحساب» (آل عمران- ۱۹).

دین در نزد خداوند فقط اسلام است، و آنها که به امانتداری کتاب الهی ممتاز بودند اختلاف و تفرقه افکنی ننمودند مگر بعد از آمدن دلیلهای روشنی که از جانب خداوند برای آنان آمد، و این اختلاف و تفرقه افکنی فقط بانگیزه «بغی» برتری جوئی بیشان بوده (که کفری است غفران ناپذیر) و هر کس بآیات خداوند متعال کفر ورزد و دلائل روشن را نادیده گیرد (کافر خویش را زود می چشد) چه خداوند حاصل جمع اعمال هر کسی را زود در کف وی می گذارد.

و آیه: «وما تفرقوا الا من بعد ما جاءهم العلم بغياً بينهم» (شوری- ۱۱).

سردمداران و امانتداران دین الهی (که پسمبران اولوا العزم کلاً بآن مبعوث شدند) فرقه های مختلف نگردیدند مگر بعد از علم و دلیل روشن که از جانب خداوند برای آنان آمد و این تفرقه سازی و اختلاف افکنی فقط بانگیزه «بغی» برتری جوئی بیشان بوده است. و آیات دیگری به همین تعبیر یا عبارات دیگری.

پس سبب منحصر و مستقیم در پیدایش مذهبهای باطل و نحله های مختلف و فرقه های متخاصم دینی، همانهایی هستند که منصب امانتداری کتاب الهی و تبیین اصول عقائد و استنباط



ریشه لغت بغی و معنای آن در علم اخلاق

باری! مناسب است که مفهوم لغت «بغی» روشن شود تا راز اصرار و تکرار قرآن کریم در اسناد اختلاف در دین و ایجاد فرقه های مذهبی به این امانتداران اهل بغی (نه امانتداران راستین که خلفاء پیمبرانند) معلوم گردد:

راغب در مفردات می گوید: «البغی طلب تجاوز الاقتصاد فیما یُتَعَرَّی، تجاوزاً اولم یتجاوزوه... والبغی علی حزین: احدهما محمود و هو تجاوز العدل الی الاحسان، والفرض الی التطوع، والثانی مذموم و هو تجاوز الحق الی الباطل او تجاوزه الی الشبه. الی ان قال: فالبغی فی اکثر المواضع مذموم».

بغی: طلب تجاوز از حد اعتدال در جستجوی چیزی است چه تجاوز کند یا نکند... و بغی بردو قسم است: یکی از آن دو، پسندیده و نیکو است و آن تجاوز از عدل است به احسان، و از فرض به مستحبی، و دومی نکوهیده است و آن تجاوز از حق بیاطل یا تجاوز به شبهات است. تا آنکه می گوید: پس بغی در اکثر مواضع مذموم است.

در جامع السعادات مرحوم نراقی قدس سره در شماره ذائل متعلق به قوه غضبیه، بغی را ذکر فرموده سپس در تعریف آن بیانی دارند که خلاصه ترجمه آن چنین است: «بغی، بفتح هم نامیده میشود و آن دشواری اطاعت و پیروی از واجب الاطاعه میباشد و بمطلق علو و گنده نمائی احیاناً تعبیر شده و بهر تقدیر، بغی از زشت ترین انواع کبر و خود بزرگ ترینی است که بکفر منتهی میشود...» (ج ۱ ص ۳۶۸).
پس صفوه و گزیده مفهوم بغی بعد از جمع بندی بین لغت و اخلاق، عبارتست از گردنکشی از اطاعت واجب الاطاعه و این گونه گردنکشی از بدترین انواع کبر است که فرشتگان و ابلیس با این محک، اختیار و امتحان شدند و فرشتگان از امتحان سرفراز برآمدند و ابلیس مردود گردید، چنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه قاصعه بیان فرموده اند:

«ثم اختبر بذلک ملائکته المقربین لیمیز المتواضعین من المستکبرین فقال سبحانه وهو العالم بمضمرات القلوب ومحجوبات العیوب: [انی خالق بشرأ من طین فاذا سوتنه ونفخت فیه من روحی ففعلوا له ساجدین فسجد الملائکه کلهم اجمعون الا ابلیس] اعترضه الحمیه فافتخر علی آدم بخلقه وتعصب علیه لاصله فعدو»

الله امام المتعصبین و سلف المستکبرین الذی وضع اساس العصبیه و نازع الله رداء الجبریه و اذرع لباس التعزز و خلع قناع التذلل، الا ترون کیف صقره الله بتکبره؟ و وضعه الله بترقمه؟ فجعله الله فی الدنيا مدحوراً و اعد له فی الاخره سعيراً.» (شرح عیدم ج ۲ ص ۱۶۱):

سپس خداوند متعال با محک کبر، فرشتگان مقرب خویش را آزمود تا فروتنان و متقادان را از گردنکشان گنده نما جدا سازد با آنکه خداوند سبحان بآنچه در دلها مستور گردیده و بآنچه در پشت پرده های غیب محبوب است، عالم و آگاه است، فرمود: «من بشری ازگل می آفرینم، پس هنگامی که ساخته و آراسته اش کردم و از روح خود در کالبدش دمیدم در برابرش بسجده در آئید، جملگی فرشتگان یک دفعه بسجده افتادند جز ابلیس که حمیت دامنگیرش شد و بخلفت خویش بر آدم افتخار کرده و باقتضای اصل خویش که آتش است گردنکشی نمود» پس این دشمن خدا پیشوای گردنکشان و خود بزرگ تریشان است که اساس برترتری جوئی را در دنیا گذاشت و با خداوند متعال در صفت کبریائی بمنازعه برخاست، و جامه عزت را آرایش قامت نارسای خود نموده، و پوشش خواری که برازنده اش بوده بدور انداخت، آیا نمی بینید خداوند متعال برای تکبر و سرکشی وی چگونه کوچک و ناچیزش کرد؟ و بجرم برتری جوئی، به حسیض پستی پرتابش نمود؟ در دنیا مطرود و مردودش فرمود و در آخرت برای او آتش افروخته فراهم ساخت.

از مجموع آنچه که در مفهوم «بغی» گذشت، مدلول «بغیا بیتهم» روشن میگردد و راز تکرار و اصرار قرآن مبین نسبت به این صفت معلوم میشود و با تکرار تعبیر، خطر این رذیله را که اساس آن را شیطان گذاشته اعلام مینماید و خلاصه همه گرفتاریها و بدبختیهای فردی و اجتماعی از «بغی» نشأت گرفته است، و این گرفتاری دامنگیر همه ادیان است چنانکه از آیات مذکوره استفاده میشود و شهود عینی نیز گواه صادق، بر آن است، و در همه امم برای این رهزنان اخلافی است که اختلافها را گسترده تر می کنند و جهت این عمل ابلیسی به مزدی ناچیز قناعت می کنند و در این اعصار بسیاری دانسته یا ندانسته دلال دولتهای ابر جنایت شرق و غرب گردیده و بقول «سیلونه، نویسنده ایتالیائی» بطوری که از او نقل شده: «کشیشان مسیحی و میسیونهای مذهبی پول خردی هستند که برای حسن جریان معاملات کلان دولتهای سرمایه داری لازمند».



انجیل و انجیل سازان

و مناسب است نمونه ای از اختلافات واقع در انجیل و انجیل سازان و فجایع آن عالجتابان عرضه شود:

نوشته اند: «در طی یک قرن و نیم یا دو قرن، انجیل‌های متعددی نوشته شد. هر اجتماعی هر قدر هم ناچیز بوده انجیلی مخصوص بخود داشت مثلاً: انجیل توماس، انجیل ژاک، انجیل نیکودم، انجیل پطروس، انجیل متی دوم و انجیل مصریان... بطوریکه در اوائل قرن چهارم میلادی بی شک دهها انجیل نوشته شده بود... بعدها این مسئله که کدام یک از انجیل‌ها را باید صحیح و «قانونی» و «ملهم از خدا»! دانست بارها در شورا‌های کلیسا ما بین روحانیون و علماء دینی به بحث و شور گذاشته شد. کلیه انجیل‌ها، هم در خود تناقضاتی داشتند و هم با یکدیگر مغایر بودند به قسمی که انتخاب از میان آنها امری مشکل بود. بالأخره شورای لائودیسه که در سال ۳۶۴ تشکیل یافت، تصمیم گرفت که از آن پس فقط انجیل‌های منسوب به متی و منسوب به مرقس و منسوب به لوقا و منسوب به یوحنا که هم امروز جزء وصایای جدید هستند، مقدس شمرده شوند، سایر انجیل‌ها را منسوخ و معمول اعلام نمودند... (امروز) در راس کلیسای کاتولیک رومی مردی قرار گرفته است که او را پاپ روم می‌نامند... ثروت‌های کلیسای کاتولیک از حد و حساب خارج است، این ثروت‌ها در انواع معاملات و عملیات سرمایه‌داری بکار انداخته شده است. واتیکان که تنها صاحب اراضی وسیع زراعتی و مؤسسات کشاورزی است بلکه مقدار معتابیهی نیز سهام کارخانجات و کارگاه‌های مختلف از جمله راه آهن‌ها و شرکت‌های نفتی و غیرنفتی و بانک‌ها را در دست دارد... و عجب آنکه وجود این مؤسسه عظیم صنعتی و تجارتي و مالی و این دستگاه نیرومند فشار سیاسی و فکری، بر مبنای انجیل‌ها توجیه و تطهیر شده است! از قرن یازدهم تا قرن سیزدهم هشت جنگ خونین و ظالمانه بنام جنگ‌های صلیبی تخت رهبری کلیسای کاتولیک بوقوع پیوست ولی به چه منظور؟

بسیار ساده لوحانه است اگر تصور شود که علت جنگ‌های صلیبی تعامیل کلیسا به آزاد کردن «مقبره عیسی» بوده است. دلیل اصلی جنگ‌های صلیبی این است که بازرگانان ثروتمند

اروپائی می‌کوشیدند راه‌های تازه‌ای برای تجارت با شرق باز کنند و فنودالها نیز در صدد بودند سرزمین‌های جدیدی فتح کنند و اما کلیسا ضمن اینکه به طبقه استعمارگر امکان میداد که به هدف‌های خود برسند منافع شخصی خود را نیز از یاد نمی‌برد... همه این کارها با تطهیر و تبرک کلیسا انجام می‌گرفت. این دژخیمان «مقدس»! با تشکیل محکمه تفتیش عقاید پس از انواع شکنجه‌های وحشتناک زنده زنده سی و دوهزار نفر را با آتش سوزاندند و حدود سیصد و چهل هزار نفر را به غیر آتش شکنجه داده و انتقام گرفتند... جنگ دوم جهانی سالها در سرتاسر کره زمین بیداد کرد و برای تمام دنیا روشن بود که فاشیسم آلمانی با فاشیسم ایتالیائی هم دست شده‌اند و تدارک جنگ مخوف جهانی را که دهها میلیون قربانی خواهد داشت می‌بینند، کلیسای کاتولیک با هر دوی آنان قرارداد اتحاد منعقد ساخت.

خروشچف ضمن یک مصاحبه مطبوعاتی با روزنامه نگار آمریکائی نقش تبلیغات انجیلی را در برده کردن مستعمرات چنین تعریف کرده است: «استعمارگران جویای منافع، در دوران خود همیشه همراه با سربازان اشغالگر خویش، کشیشانی نیز به کشورهای مفتوحه می‌فرستادند و ملتها را به اصطلاح با شمشیر و صلیب به بند می‌کشیدند، ایشان با آوردن صلیب و انجیل، مذهب‌های خود را به ملتها تحمیل می‌کردند انجیل را برای ایشان باقی می‌گذاشتند، و ثروت‌هایشان را تصرف می‌کردند!» تلفیق و تلخیص از کتاب «مفهوم انجیل‌ها» بلی ما خولیای سروری سگ می‌کند بلام را، و کشیش‌های مسیحی و آخوند‌های درباری را وسیله تسهیل معاملات کلان دولتهای سرمایه‌داری می‌گرداند و اینها اخلاف این اسلافند که می‌فرماید: «فاما الذین فی قلوبهم زیغ...» و «ما تفرقوا الا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم». صدق الله العلی العظیم.

۱- این ضرب المثل مربوط است به طشت حاوی خرقه‌های قاعده‌گی زنان که در زمان‌های گذشته بمقتضای حیا و عفاف، دور از انظار در پشت بام نهاده می‌شد که در فرصت مناسب شستشوداده شود و گاهی باد تند، آن را به صحن حیاط پرتاب می‌کرده و صدای بلند آن تمام اعضای خانه و گاهی همسایگان را نیز متوجه آن صدا می‌نموده و نتیجتاً سزیمکتوم فاش می‌گردید و سب انفعال و شرمساری می‌شد.